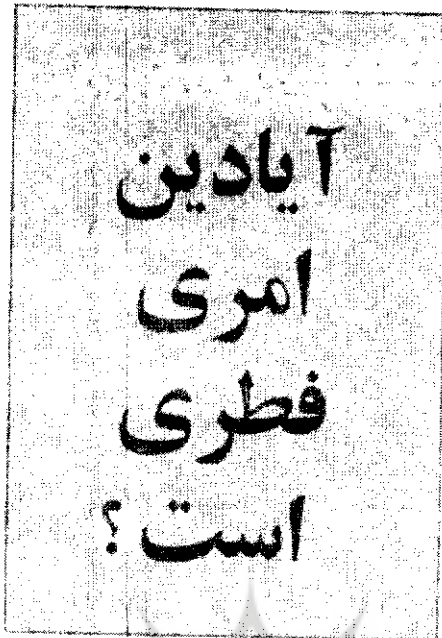


کلام جدید

نست چهارم



جوامع و قبیله‌ها و سرایان و بازارها و راه‌ها و اینها را در دست برداریم که در این جامعه است تمام ارزش‌های معنایی و اخلاقی و مذهب و عقاید و آیین و آئین‌ها شده‌اند و هستند که در حقیقت با وجود آنکه وجود دارند و همه تمام مقدمات و پیشانیات انسان را از دیدگاه صورت‌های جنسی توجیه می‌کنند که این نظریه عملاً از ارزش‌ها افتاده است و اکنون نظریه‌ای دیگر.

نظریه روح اجتماعی

نظریه دیگری که جدید و نزدیک‌تر به زمان ماست نظریه روح اجتماعی است. نظریه روح اجتماعی می‌گوید که جامعه از یک سلسله افراد مجرد تشکیل شده است و درست است که افراد انسانی در کنار هم زندگی می‌کنند و درختان یک باغ نیز هرکدام هم، اما درختان باغ از یکدیگر منفرد و مجزا و بعضی آنها هستند حال آن که جامعه انسانی مانند یک ترکیب طبیعی است مانند آب که هرچه از تو منفسر هیدروژن و اکسیژن تشکیل شده اما این دو عنصر در حال آب بودن از هم جدا نبوده و با یکدیگر مرتبطند. البته در جامعه فرد به اندازه‌ای که در کل مستهجنک می‌شود مانند شیعت نیسبه اما جامعه روحی دارد که هر فرد سینه جامعه هم واقعاً حکم یک عضو را دارد و عضو جامعه است و یک روح بر همه افراد یک جامعه حکم فرمات پس همه انسانها در وجدان دارند و در پس یک وجدان و من فردی و دیگری وجدان و من اجتماعی، با این شکل است که پدیده‌های اجتماعی توجه پذیرند مثلاً ما در جامعه هم تعاون می‌بینیم و هم نزاع در حال نزاع من‌های فردی در حالت دارند و در حالت تعاون من‌های اجتماعی.

* دور کهیم مذهب و دین را مظهری از تجلی و روح اجتماعی میدانند.
* فرقی اساس بین نظریه دور کهیم و دیگران در این است که طبق این نظریه مذهب از اجتماع رفتنی نیست

پیامبران از وجدان اجتماعی و روح حاکم اجتماع الهام می‌گیرند. بنظر وی یک تفاوت اساسی میان این نظریه و نظریه‌های دیگر وجود دارد و هرچند که نظریه وی هم الهادی است اما فرق اساسی این نظریه است که مذهب از اجتماع رفتنی نیست و همانطور که تا جامعه است هر دو اخلاقی و علم هست، تا جامعه است مذهب هم هست و با توجه به نظریاتی که منسأ مذهب را جهالت و خوف و مالکیت دانسته و می‌گفته‌اند که با رفع جهالت و ترس و برقراری سوسیالیسم دین هم از بین می‌رود و یا فوئر باخ که میگفت دین مظهر از خود بیگانگی انسان است و چون انسان دارای فضائل عالی است با توجه به نظریه‌های دیگر که می‌گویند که مذهب از خود بیگانگی است و هر چه خوب است به آسمان سپرده می‌شود و هر چه بد است و زشت است بخود، به همین دلیل خسار در انسان پیاپی کرده و بعد از مسیحیت

انسان خودخفا میشود و به انسانیت اصیل خود بازگشت میکند که دیگر در این مرحله مذهب هر از بین میرود. اما تمام این نظریات منسوخ شده و مذهب همواره پیرجانی مانده است. و بقول وین دورانت (در کتابی تمام تاریخ دین مسلمان دارد)

نظریه اسلامی

نظر اسلام آنست که دین جزء سرشت انسان است نه سرشت جامعه.
فایم و جهک للذین حقیقاً فطره الله الذی فطر اناس علیها لا تبیل لعلی الله ذک الذین الذیم بر اینکه فایم و جهک می‌باید قرآن نظرت دینی را مقدم بر اجتماع و حتی شکل گیری انسان در متن جامعه میدانند و می‌گویند که دین در وجدان فرد بعنوان یک سرشت وجود و قرآن در اینجا سه تعبیر دارد یک تعبیر آن فطرت است و تعبیر دیگر صیغه الله و تعبیر دیگرش حقیق است. فایم و جهک للذین حقیقاً
حافظ و تحف و حقیقت یعنی گرایش در درون انسان بسوی حقیقت و همانطور که گرایش این نظریه مغناطیس امری است که چه طبیعت آهن می‌باشد و اگر این طبیعت در آن باشد ماهیت خود را از دست میدهد، این گونه گرایش را هم حقیقت گویند.

جهاد

دور کهیم درباره مذهب چه می‌گویند؟
دور کهیم که وضع کننده این نظریه است و خودش روانشناس و جامعه‌شناس و از پیش کشورهای جامعه‌شناسی است، مذهب و دین را مظهری از تجلی و روح اجتماعی می‌داند و روح اجتماعی را یک امر قراردادی و اعتباری ندانسته بلکه برای آن واقعیت و حقیقت قائل است.
و چون بشر از لحاظ اجتماعی نیازمند مذهب است بناچار این روح اجتماعی مذهب را بوجود می‌آورد و وقتی که به پیامبران روحی میشود این روحی را از روح اجتماعی متمایز می‌کنند و این تمایز را تکامل یافته اجتماع شناس و روحی هم روح اجتماعی است که به افراد رجسته‌ای که خواهان خیر و سعادت مردمند الهام میشود پس نظریه این

* دین امری است از ناحیه خدا و وحی هم تعلیمات خاصی است که با توجه به زمینه روانی بشر که از عمق وجود او سرچشمه می گیرد به پیامبران الهام میشود و آن زمینه نامش فطرت است.



شخصی حقیقاً یعنی حقیقت باشی، لغت حقیق همانطور که در لغت قبل گفته شد، شاید نزدیک ترین ترجمه اش حق گرا باشد فطره الله التي فطر الناس علیها یعنی که همواره ملازم فطره الله که خدا مردم را بر آن آفریده است باش و یا به مفهوم دیگر همیشه ملازم این فطرت باش. لایسبیل لخلق الله یعنی این خلقت الهی است که این چنین و تا این سرشت آفریده شده و یا بعبارتی مردم بر سرشت دین و خدا آفریده شداند و خلقت و فطرت خدا را نمیشود زایل و تبدیل کرد و بشر تا بشر است با این فطرت بنیاد می آید ذلک الدین القيم: آن دینی راست و مستقیم است که ریشه در نهاد انسان دارد، ولیکن اکثر الناس لا یعلمون، ولیکن اکثر مردم نمیدانند خود لغت فطره از نظر لغوی بر وزن فعله است و در زبان عربی فعله داریم و فعله هر چه بر وزن فعله باشد دلالت بر وحدت می کند مانند هر به ضربه و جلسه یعنی یکبار زدن و یک بار نشستن ولی فعله بر نوع خاصی می کند اگر بیگوئیم جلسه زید، یعنی بیگونه ای خاص و بیوعی نشستن زید و ضربه یعنی گونه ای خاص از زدن.

پس فطره الله یعنی گونه ای خاص از آفرینش الهی، شکنجی خاص از آفرینش، و خداوند همه مردم را با این شکل خاص از آفرینش آفریده است حتی بی دین ترین بی دینان هم بر این شکل خاص آفریده شداند و تعبیر دیگری که در آیه آمده (صیغه) است که دل دلالت بر نوعیت آن می کند، یعنی نوع خاصی رنگ آمیزی شده که صیغه الله است. البته می گوئیم دین فقط منحصر به اسلام است یعنی دین از اول خواه دین نوح و خواه ابراهیم و تا پیامبر (ص) نام دین همه انبیاء اسلام است، منتها حاکم درخت، که درخت همان درخت است اما در تفسیر و سیر زمان است که توفیق بر می گزیند پس اختلاف در فروغ سبب اختلاف در ماهیت نمیشود چون خدا می گویند ماکان ابراهیم یهودیا و لاتصرایا ولیکن کان حقیقاً مسلماً پس دین اسلام منحصر به دین محمد (ص) نیست، بلکه نام همه ادیان یکی و آن

شناسی و از طرف دیگر مربوط به انسان شناسی است چون یک امر ذاتی بحساب می آید و یک بعد از ابعاد وجود انسان است اکنون نظریه قرآن را تشریح کرده و می شکافیم که بفهمیم فطرت چیست؟ فطرت هر یک آیه از آیات قرآن بصورت فطره الله آمده البته نظیر آن زیاد در قرآن دیده میشود، اما کلمه خاص فطرت تنها در یک مورد آمده انهم در سوره روم قائم وجهک للدين حقیقاً فطره الله التي فطر الناس

صیغه الله یعنی رنگ خدایی، پس آیا انسان رنگ طبیعی ندارد و این اجتماع است که انسان را رنگ عقیقی و دوقی میزند؟ خیر انسان دارای رنگ طبیعی است که این رنگ را در اول خدا زده است، مثلاً چشم گوشتی که در اول رنگ طبیعی اش یا سفید و یا سیاه است و ممکن است که روی آن رنگ طبیعی، رنگ دیگری هم زد که آن رنگ ثانویست، پس از نظر قرآن، انسان بی رنگ خلق نشده که بعد اولیاء و جامعه به انسان

* پیغمبر (ص) می فرماید: هر نوزادی از هر خانواده ای در هر کشور یا محیطی، وقتی زاده میشود بر فطرت اسلامی زاده می شود اما بعد پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی و یا مجوس می کنند.

نابها ولیکن اکثر الناس لا یعلمون. مخاطب این آیه مثل بسیاری از آیات دیگر ظاهراً پیامبر است ولی در معنا همه مردم داخلند و چون مردم داخلند کم کم آیه از جنبه مخاطب به صیغ کشیده میشود، پس اقم وجهک، وجه یعنی چهره و چهره مظهر توجه است، مانند اینکه رویت را بسوی فلان چیز کن یعنی توجهت بسوی آن باشد یا رو به استان تو دارم. اقم، یعنی پایدار، نگهدار. اقم وجهک یعنی پایداری کن، توجه خود را بسوی دین نگهدار یعنی اول به دین توجه داشته باش و رویت را به آن سوی بدار، بلکه اگر پایدار نگهدار و منحرف

رنگ بزنند، خیر این چنین نیست، بلکه انبیاء همان رنگ طبیعی او را متجلی می کنند و مسئله دیگر فطرت است و همانطور که میدانیم دین امری است از ناحیه خدا و وحی هم تعلیمات خاصی است که با توجه به زمینه روانی بشر که از عمق وجود او سرچشمه می گیرد به پیامبران الهام میشود و آن زمینه نامش فطرت است که یکی از اصول معارف قرآن بشمار می رود و از این مساله در احادیث و قرآن و نهج البلاغه و در تعبیرات عممای اسلام زیاد دیده و شنیده میشود و مساله فطرت مساله ایست که از استه به دین شناسی مربوط میشود و پایه ایست برای دین

جهد صنایع: اهداف

منی برین
خط مشی جهاد در رابطه با کار فرهنگی در مراکز کارگری شرح زیر است:
- برقرار نمودن رابطه با انجمن های اسلامی.
- گذاشتن کلاسهای ابتدائی برای افرادی که از میان انجمن های اسلامی انتخاب می شوند.
- شناسائی افراد مؤمن و صادق این مراکز و جذب آنها جهت همکاری در جهاد.

ایجاد جریانی فرهنگی در صنعت، به طوریکه ادامه آن تمام مراکز صنعتی را گرفته و به رشد بزرگی کارگر و فعال جوان ایشان در جهت انقلاب کمک کند. با توجه به این پیش است که جهاد صنایع در بنوامر هدف مرحله ای خود را که تکیه بسیاری بر روی آن دارد، فعالیت فرهنگی در کارخانجات و واحدهای صنعتی قرار داده و با حداکثر امکانات، در این زمینه به پیش می رود.

عده فعالیت خویش را در بخش فرهنگی به دو بخش «خاص» و «عموم» تقسیم کرده ایم. فعالیت های فرهنگی و تبلیغاتی در سطح عام، برای تمام اقشار موسسات صنعتی و همه گیر می باشد. فعالیت های «خاص» ما، اختصاص به انجمن ها و شوراهای اسلامی کارخانجات دارد و از طریق فعالیت نزدیک و همه جانبه، در کار سازی برای آینده جهاد سازندگی و خدمت به انقلاب خواهیم داشت.

آیادین امری

اسلام است و رابطه انسان هم رابطه بدین و عالی در یک نفس انسانانه مانند کلاسی و طبیعی او طبیعی، بلکه همه یک جسم می باشد و بی بر حسب زمان، همان نفس و او هر کلاسیک بالاتر صورتی کاملتر بیانی می کنند پس تفاوت تفاوت مراتب دیگر نفس انسانیت بدین است. صیغه الله یعنی رنگ و روغن و چربی و عصاره بهتر از خدا می تواند رنگ برندی یا به عبارت دیگر این رنگی است طبیعی که خدا به بشر زده به رنگ مصنوعی مانند آبی که رنگ طبیعی دارد مانند سفید گچ و رنگ موی بز که یا سفید یا بور است و گفته نمی شود که چرا موی بز سفید است، صیغه الله پس چنین است یعنی رنگ خدایی و طبیعی دارد به مصنوعی و این گفته قرآن درست است عقاید است که مشاهده در واقع یا جهل می دانستند و می خواستند بدین یک رنگ مصنوعی برزند. قرآن می گوید هر رنگ دین رنگ طبیعی و الهی و ذاتی است آنچه در تعبیر آمده است که این تعبیر شمس و رنگ

مسیحیان نیز هست چون مسیحیان می گفتند که تا شخص غسل تعمید نکند و بازرشتیان می گفتند شخصی تا کمرش زرشقی تند نمی تواند مسیحی با زرشقی شود و شرط لازم مسیحی شدن و زرشقی شدن غسل تعمید و بستن کمر است و این قرآن می گوید این اعمال مهمل است و رنگ است که خدا داده و آن رنگ خدائیسست و این تعبیرات تعبیرات قرآنی است و ایات دیگری نیز هست که دلالت بر فطری بودن دین می کند. یک حدیث معروف نبویست که شیعه و سنی هر دو آنرا نقل کرده اند و از مسلمات اسلامست که پیامبر فرمود:
«کل مولود یولد علی الفطره حتی ان ابواه یهودونه و ی نصرانه و ی مجسانه» یعنی هر نوادی از هر خانواده ای در هر کشور با محیطی وقتی زاده میشود بر فطرت اسلامی زاده میشود بر فطرت قرآنی بوده است و معرفت حق تعالی اما بعد پس و سرش او را یهودی یا نصرانی و یا مجوسی می کنند و پدر و مادر با حفظ نفسان

بیشتر گفته است اما عوامل خارجی هم مطرح است. درحالیکه نظریه مادی است که آدم بدین دنیا می آید و فقر و سرگویی شهوت و جهل او را متدین می کند. درحالیکه پیامبر (ص) میگوید هر کس فطرتا در حال زادن متدین بار می آید بعد بدین و یا متدین انحرافی میشود سپس ادامه این حدیث چنین است: اینکه پدر و مادرها دین فرزند را تغییر میدهند مانند چیزی است که شما حیوانات را تغییر میدهند مایل علامتی که بر گوسفند، روی دنبه آن می زنند و با اینکه در خراسان گوش گوسفند را شکاف میدهند و یا بعضی سوراخ و بعضی جدا می کنند و به آن (درسم) می گویند و پیامبر فرمود: شما تا بحال بچه یک حیوانی را دیده اید که گوش بریده بدنیایا بیاید یعنی اسلامیت، هر سلامت فطرت چیز دیگری نیست. یهودیت و نصرانیت و غیره یک عملی است که از خارج صورت می گیرد و فطرت را تغییر میدهد.

ادامه دارد

مسافرتی نامعلوم

که با شما اینطور رفتار میکنیم. مجددا سوار شدیم و براه افتادیم و من فهمیدم که در حال در طول راه ما را نخواهند در مسیر خود محلی رسیدیم که در راه تیر و مرداد هنوز در آنجا برف وجود داشت و تقریباً بصورت یخچال همیشه برف داشت یک وانت نیز بخواه را قالی برسد و برای حمل محلی بار میبرد که بعد فهمیدیم برای فروش و مصرف بنوسود میرند یکی از افراد رفت و بیک قالب از برف و یخ را گرفت و آورد و با چاقو آنرا تقسیم کردند یک قسمت هم به ما رسانیدند. آورده شد که افراد شروع کردند به خوردن آن و ما هم تعارف کردیم. ادامه دارد.

جهد وزارت نیرو

کامل ساختمان نیروگاه میناب و جرارت هوای محبت، نوبه کسی دیزل ها چند ماه بعد شروع خواهند شد.
از اقدامات سازندگی دیگر جهاد وزارت نیرو میتوان از روی فولداسیون فرادان سه دستگاه دیزل ژنراتور ۱۵۰۰ کیلو وات در جزیره ابوموسی و سه دستگاه ژنراتور مانور دیگر و احداث کانال های کابل کشی، کانال حفر قرقره ۵۰۰ متری ۲۰ کیلو وات در جزیره ابوموسی، نقش برداری و نقشه طرح برق رسانی رتبه لاریجان و ۱۰ روستای اطراف را نام برد.

کارهای این جهاد می تواند طول این خط صد کیلومتر می باشد که به واسطه عدم تهیه لوازم، اجرای ۲۵ کیلومتر آن را میسر است اما کارهای اجرایی خطوله برقی هرزگان به اتمام رسیده و مورد بهره برداری نیز قرار گرفته است که نصب دومرحله اتو پمپ سه گانه تا ۳ دستگاه برقی به میناب برسانند.
همچنین احداث ۵ دستگاه فولداسیون برای دیزلهای ۱۱۰۰ کیلو وات در میناب و بنتر جاسک، حمل و نصب سه دستگاه دیزل ژنراتور ۱۱۰۰ کیلو وات در میناب از دیگر کارهای جهاد وزارت نیرو است که به علت آماده